

عدالت اجتماعی و جامعه سالم از منظر علامه طباطبائی

حجت الاسلام یزدانی مقدم بیان کرد: با تکیه بر مبانی تفسیری و فلسفی علامه طباطبائی، عدالت اجتماعی را نه صرفاً یک مفهوم اخلاقی، بلکه مبنای شکل گیری جامعه سالم است؛ جامعه ای که در آن محبت، دوستی، تعاون، حمایت از ضعیفان و تلاش برای رفع فقر، بنیان هویت جمعی را می سازد و جایگاه هر فرد بر اساس حق واقعی او تعیین می شود.

به گزارش ایکن، نشست علمی «عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی» با سخنرانی حجت الاسلام یزدانی مقدم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، به همت گروه حکمت عملی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران عصر امروز ۱۶ آذر برگزار شد.

یزدانی مقدم در این نشست، با تکیه بر مبانی علامه طباطبائی در «المیزان» و آثار فلسفی ایشان، کوشید نشان دهد که عدالت اجتماعی در اندیشه علامه صرفاً یک عنوان اخلاقی یا قراردادی نیست، بلکه بنیانی واقعی و عینی برای سامان دادن روابط اقتصادی، سیاسی و حقوقی جامعه است.

از «اعتباریات» تا عدالت اجتماعی؛ اعتبار ریشه دار در واقع یزدانی مقدم بحث خود را با توضیح جایگاه «اعتباریات» در منظومه فکری علامه آغاز کرد. به تعبیر او، مفاهیمی مانند «باید»، «خُسن»، «قبح» و «عدالت»، در نگاه علامه در حوزه اعتباریات قرار می گیرند، اما این اعتباریات از «هیچ» سر در نمی آورند؛ بلکه امتداد و صورت تازه یافته یک واقعیت پیشین اند. همان گونه که انسان نخست زیبایی را در واقعیت محسوس مشاهده می کند و سپس آن را به اخلاق و رفتار تعمیم می دهد، عدالت نیز بر واقعیتی همچون تناسب، موازنه و «هرچیز در جای خود بودن» بنا می شود.

وی افزود: در این چارچوب، عدالت اجتماعی از نظر علامه طباطبائی تنها یک قرارداد اجتماعی برای تنظیم منافع نیست، بلکه ریشه در ساختار واقعی انسان و جامعه دارد؛ همین نکته به گفته یزدانی مقدم، به ما اجازه می دهد تا هم رفتار فردی و هم نهادهای اجتماعی، از جمله نظام مالیاتی، مالکیت و سیاست های رفاهی را بر اساس معیار عدالت نقد و ارزیابی کنیم. نظریه «استخدام» و معنای عدالت: از استثمار تا استخدام متقابل

یزدانی مقدم در ادامه به نظریه «استخدام» پرداخت و گفت: مفهومی که علامه آن را از سنت فلسفی، به ویژه از فارابی، اخذ و در قالبی تازه صورت بندی کرده است. در این دیدگاه، موجود برتر موجود فروتر را به نوعی تسخیر و استخدام می کند و این سلسله در عالم هستی تا انسان ادامه می یابد. اما انسان نسبت به انسان دیگر، برتری وجودی ندارد تا حق استخدام یک طرفه داشته باشد؛ بنابراین چاره ای جز برقراری رابطه «خدمت رسانی و خدمت گیری متقابل» نمی ماند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: در این چارچوب، علامه طباطبائی از دو نوع استخدام سخن می گوید: نخست، «استخدام توصیفی» که وضعیت موجود و حتی استخدام های ظالمانه و مضموم را توصیف می کند و دوم، «استخدام توصیه ای و مطلوب» که همان استخدام متقابل و عادلانه است.

یزدانی مقدم در ادامه گفت: عدالت اجتماعی در نگاه علامه، یعنی نجات انسان از استثمار و استخدام مضموم و استقرار استخدام متقابل میان افراد. هرچا رابطه قدرت به نحوی شکل بگیرد که یک سو بهره مند و مسلط باشد و سوی دیگر صرفاً ابزاری برای تحقق منافع او، عدالت اجتماعی نقض شده است.

یزدانی مقدم با اشاره به پیامدهای بی عدالتی تصریح کرد: بی عدالتی در اندیشه علامه طباطبائی، صرفاً جنبه اقتصادی و حقوقی ندارد، بلکه تا ساحت عقاید و توحید نیز امتداد می یابد.

وی با ارجاع به تفسیر علامه از آیات قرآن، توضیح داد که استخدام یک طرفه و استثمار انسان ها، زمینه ساز تکبر، برتری طلبی و در نهایت، نوعی «خودبینی» است؛ همان وضعیتی که در سرگذشت فرعون ها و بسیاری از مستبدان تاریخ دیده می شود.

وی در ادامه با اشاره به اینکه عدالت اجتماعی تنها ابزار توزیع عادلانه فرصت ها و منابع نیست، گفت: عدالت اجتماعی راهی برای جلوگیری از تبدیل قدرت و ثروت به «بت» است؛ بُتی که انسان را از توحید عملی دور می کند و او را در موقعیت ربوبیت نسبت به دیگران قرار می دهد. به همین دلیل، پیامبران الهی نیز مأمور شده اند تا با برپایی قسط، همین چرخه استخدام مذموم را در هم بشکنند. از نظریه به عمل: مالیات، مالکیت و تقارب طبقات اجتماعی

یزدانی مقدم با تکیه بر مطالب علامه طباطبایی در جلد‌های میانی و پایانی «المیزان»، به بُعد عینی و اقتصادی عدالت اجتماعی پرداخت و تأکید کرد: علامه طباطبایی، عدالت مالی را یکی از بنیادهای اصلی سامان اجتماعی می داند و بخش بزرگی از جنایات، تعدّیات و مفاسد را ناشی از دو وضعیت می بیند؛ فقر گسترده در یک سو و غنای نامتعارف در سوی دیگر.

وی در ادامه توضیح داد: از منظر علامه، احکام مالی اسلام از زکات و خمس تا انفال، خراج و مالیات های حکومتی همگی باید در جهتی تنظیم شوند که از تمرکز ثروت در یک طبقه محدود جلوگیری شود؛ امکان ارتقای طبقات فرودست فراهم شود و در نهایت، تقارب نسبی طبقات اجتماعی تحقق یابد.

یزدانی مقدم در ادامه گفت: عدالت مالی یعنی طراحی نظام مالیاتی و ساختار مالکیت به گونه ای که جامعه به سمت دو قطبی شدن شدید «فقر حاشیه نشین» و «غنی فرادست مسلط» نرود. اگر عدالت را صرفاً یک قرارداد ذهنی و اعتباری بی پشتوانه بدانیم، دیگر نمی توانیم به طور جدی از ضرورت اصلاح نظام مالیاتی، توزیع عادلانه منابع، یا سیاست های بازتوزیعی سخن بگوییم؛ زیرا در این صورت، هر نظامی که قدرت حاکم آن را «قرارداد» بنامد، می تواند به اسم عدالت توجیه شود. عدالت؛ معیار نقد ساختارها، نه صرفاً اخلاق افراد

وی با اشاره به اختلاف رویکردها در باب نسبت عدالت و شریعت، یادآور شد: در فقه، گاه عدالت صرفاً مساوی با «مطابقت با حکم شرعی» دانسته می شود؛ اما در نگاه فلسفی و تفسیری علامه، عدالت عقلی پیشاشریعت نیز جایگاه دارد. به این معنا که عقل انسان، حتی پیش از دریافت شریعت، توان درک حسن عدالت و قبح ظلم را دارد و شریعت بر این بنیان عقلی تأکید و آن را تعمیق می کند.

یزدانی مقدم در ادامه تأکید کرد: عدالت در اندیشه علامه نه تنها معیار اخلاق فردی، بلکه ملاک نقد ساختارها و نظام های حقوقی و اقتصادی است. جامعه ای عادل است که در آن هرکس در جایگاهی قرار گیرد که عقل، شرع و عرف عقلایی آن را سزاوار او می دانند؛ نیکوکار پاداش ببیند، ظالم مهار شود، حق مظلوم احقاق گردد و همگان در برابر قانون، واقعاً برابر باشند؛ نه آن که قانون ابزار تأمین منافع یک طبقه خاص شود.

یزدانی مقدم در پایان یادآور شد: در منظومه فکری علامه طباطبایی، سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست و انسان بدون ظرف اجتماعی عادلانه به سختی می تواند به کمال مطلوب برسد. به تعبیر او، جامعه ای که در آن استخدام مضموم، استثمار و شکاف طبقاتی نهادینه شده باشد، نه تنها امنیت و آرامش را از مردم می گیرد، بلکه زمینه انحراف فکری و عقیدتی را نیز فراهم می کند. در چنین چارچوبی، عدالت اجتماعی فقط یک «فضیلت اخلاقی» نیست، بلکه شرط استواری ساختار اجتماعی و سلامت ایمان است؛ و هرگونه سیاست گذاری اقتصادی و مالی، از نظام مالیاتی گرفته تا حمایت های اجتماعی، باید در نسبت با این معیار بازطراحی شود.